می‌باز دیتیمش باری
برکسی عذر برد وضو بود
در فتاوی قاضیخان نیشکه
جو جهار اهمتوانند شست
به تیمم نماز بگذارد
پس جراحات را زیان دارد
شوید غیر جای مجروح آن
یا عصابه بخرقه ببسته
سایر عضوها صحیح بود
میکند غسل سایر اعضا
آن فقیه اسم چنین فرمود
کمتر از نیکوست آنرا شو
نیست احکام مسح نیست اگر
شخص باقی جسم جهتها
باتفاق شوید من آن است
به تیمم نماز بگذارد
شوید میکند تیمم آن
جهت شیکه زاهل جماعت
اگر جنب بود بابت استعمال
میکند مسح بر جراحت آن
مسح را بر جبیره می‌آرد

نیستش هر یکی می باید
جز مشقت اگر جنب بود
جنبی که بر جراحات است
نتواند شست تا قدرت
چونکه شوید مواضع نیکو
غسل باقی از من نمی‌آرد
مسح سازد جراحتش با آب
مسح بر خرقه سازد ای جسته
آنکه باشد جراحت او در سر
مسح مجروح میکند اما
قول به بزرگی عظام کرام
بهر اکثر تیمم او را گوی
شوید آنچه مواضع نیکو
کف آرد تیمم بر جا
در فتاوی رخ این سخن است
که صحیح اکثرست غسل آرد
این همه قول و رجحان بود
اکثر عضو با جراحت هست
غالب عضوها او درست
بی حرج مسح اگر بود دهان
شرط مسح جبیره پایان تر

تا جراحت با و درست آید
نیست جایز تیمم این یکی
جرح در عانه تن بیمار
پس به حکم کسی تیمم آرد
نرسد آب با جراحت او
لا جرم بوده تشدد از ما
نکند آب اگر زیان زیر آب
باید در قاضیخان جرح
سایر عضوها صحیح اگر
در حلوة فقیه بن مسعود
در روضه است اگر اندک
در دهند ار کم است باکی
عضو دان بعد از
تا توانی عبادت باری
کر جراحت و را اکثر بدن است
شافعی گفت آنچه
بعد از این در قاضیخان
پس تیمم روا است در آنجا
مسحش آب
یعنی این مسح کر
شهر کرد دهد ار خوا

تاکه دو دست از سر و روی صریح
وعلا علکه تیمم لا لا
تاکه گفتند اگر جراحت است
بود اکثر ز کل عضو جریح
گر برابر بود صحیح جریح
احوط این است هم صحیح سخن
غالب او اگر جراحت دار
شستن او ساقط است نزد ما
از افلیکه بوده است درست
بنوشتند بر جرا بتها
آب پا ز دا اگر زیان اصلا
بعد از آن بر جبیره مسح آرد
در فوانه است در صحیح آن
غیر جایز بود نماز آن
شرح سازو قایه کرد الله
هست تر قیده ها چه باید کرد
نیز جا جو بود از نهم کسی
ترک سازد شقاق را نا جار
استعانت طلب کند از غیر
ور جواز تیمم است خلاف
گر نهد با شقاق پادار و

بوده باشد و ادو با صحیح
لیک یک لفظ قبل از علات
عضو دو بار در این سی دو رو است
چون شود جمع قبل با فتوا
قاضیخان اندر این نوشت صریح
در فصول عماد آورد است
بوده باشد تیمم است این بار
این اشارت بنزد گفتی
یعنی عضو وضو باید شست
آب سرد ار یا او زیان دارد
بعد از آن مسح کو جراحتها
عالمی نیکه راه دین پوید
نیست بر جرح اگر زیان مسح
حفظ باید بکرد و راین کار
یعنی صدر شریعه افقه
عاجز از شستن اربا بقدر
لازم مسح میشود زان اکسل
بوده باشد شقاق اندر رو
گر اعانت کنند بهره ور غیر
از نظر هیچ سخن مفصل
کرد امام از آب فوق او

بجنبی کسی تیمم است روا
اعتبار کثیر و را عضا است
به تیمم نبوده است مسیح
راست گردد طریقه تقوا
نیست لازم صحیح را شستن
بعض اعضای کس جراحت است
آن صحیح است اقل از اعضا
بوده و رنزد بعض اهل سخن
شرط مسح جبیره را علما
بعد با آب گرم غسل آرد
مسح بر جراحت اگر زیان دارد
لته را که جبیره میگویند
مسح بر خرقه کرد اگر آن را
غافل از این بود کسی بسیار
کرد را عضای آدمی هر د
لازم است آب می نهد بر رو
غسل اطراف او کند این بار
عاجز از کردن جا رهست
نهد بار بر آن به دلفاف
قبل ازین گفته ایم با تفصیل
بعد امام آن دواافع د

تاکه

Copyright © King Saud University